



# احضار مردگان در «آخرین مکان» بانگاتیوهای خام

## تجسمی

سعیده احسانی‌راد  
خبرنگار

می‌دهد که حاصل ۱۰ سال عکاسی از ارتباط بی‌نظیر ترکمن‌ها با اسب است.

### همه چیز از یک آتلیه قدیمی شروع شد

وی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه ایران درباره پرداختن به این سوزنه زندگی، به تسخیر درآوردن خاطرات و یادگاری‌های گذشتگان، فقط با ایده‌ها و تکنیک‌های منحصره‌فرد عکاسی ممکن است. رابطه عجیب و رازآلود زمان و عکاسی همیشه قابل توجه بوده است. وقتی گذشته با عکس، صدای حال به خود می‌گیرد، اشیا زنده شده و زنده‌ها به شیء تبدیل می‌شوند.

محسن کابلی، عکاس گلستانی مجموعه عکس‌هایی با عنوان «آخرین مکان» برای اولین بار در جشنواره هنرهای تجسمی فجر به نمایش درآورد که مرگ‌های ناگهانی و دلخراش آدم‌ها را در جاهایی که جان‌شان را از دست داده‌اند نشان می‌دهد.

کابلی به صورت حرفه‌ای ۱۵ سال است عکاسی می‌کند و در ۱۰۰ نمایشگاه گروهی شرکت کرده و از وی کتابی با نام آت‌اولغان (چایکسور) به چاپ رسیده است و گهر خوردن زندگی ترکمن‌ها با اسب را نشان

کتابفروشی اش بر اثر ایست قلبی فوت کرد یا مرد آبراتچی سبینما که به علت داشتن دشمن شخصی در اتاق آپارات به قتل رسید، پسرپچه‌ای که در خانه بر اثر گازگرفتگی دچار خفگی شد و...

### شاهدانی در صحنه مرگ

وی در توضیح بیشتر درباره احضار مردگان با تکنیک عکاسی می‌گوید: پرسوسه مواجهه من با نگانیه‌ها تا اجرای کار حدود ۵، ۶ ماه طول کشید. برخورد ذهنی من با مسأله مرگ و جاودانگی در عکاسی باعث شد این شخصیت‌ها را به آخرین مکانی که به آن تعلق یا حضور داشتند دعوت کنم. روزی این شخصیت‌ها جلوی دوربین عکاس با چشمان باز و هوشیاری کامل نشستند. آنها انگار نه از درون آتلیه‌های که با چشمان باز نگاه می‌کنند بلکه این‌بار از درون فضای زیستشان به دریاچه لنز دوربین من نگاه کرده و اعلام حضور می‌کنند و به دعوت من پاسخ مثبت می‌دهند، همچون شهدایی که در صحنه مرگ‌شان حضور پیدا می‌کنند.

### عکس‌ها دستکاری نشده‌اند

وی تأکید می‌کند: عکس‌هایی که گرفته‌م فوتومونتاژ نیستند، دستکاری

نشدند و پرسوسه فتوشاپی آنچنانی رویشان صورت نگرفته است. چون در حوزه عکاسی مستند فعالیت دارم، کار را مستندگرایانه انجام دادم؛ فضاهای خالی از انسان را در یک زمان کاملاً مستند و واقع‌گرایانه انتخاب کردم گویی آنها هستند، ولی بودنشان کامل نیست، مثل نگاتیوی که چاپ نشده، به طوری که روایت احضار و دعوت این آدم‌ها پیوندی بین فضای رئالیستی و سوررئال است.

### تکنیک مالتی اکسپوژر

این عکاس درباره جزئیات تکنیکی که استفاده کرده است توضیح می‌دهد و می‌گوید: از تکنیک مالتی اکسپوژر استفاده کردم، به این صورت که کار دبل اکسپوژر توسط دوربین انجام شد. داخل ماشینم تاریخخانه ایجاد کردم؛ هم‌زمان که از نگاتیوها عکس می‌گیرم با عکس‌هایی که از مکان‌هایی که مرگ افراد اتفاق افتاده بود مرچ (ترکیب) می‌کردم. عکس‌ها کاملاً واضح نیست چون نگاتیوهای چاپ نشده هستند که من از آنها عکاسی کردم. این پروژه کار سختی بود. روند پرس‌وجو درباره پیدا کردن مکان مرگ آدم‌ها طول کشید و فقط دو مورد فضا واقعی نبود که با اجرا ۷ ماه طول کشید.



### عجیب‌ترین عکس

کابلی عجیب‌ترین عکس این پروژه را متعلق به پسری می‌داند که ۲۰ روز بعد از گرفتن آنژکت جسمشان، دیگر حضور ندارند ولی در یک زمانی و جایی از تاریخ، عکاس بودنشان را جاودان کرده است.

### اسپانسر ندارم

وی برپای نمایشگاه عکس «آخرین مکان» را منوط به پیدا کردن اسپانسر دانسته و اظهار می‌دارد: برنامه نمایشگاه انفرادی ندارم. تا اسپانسر پیدا کنم فعلاً شانسم را در مسابقات خارجی امتحان می‌کنم تا بیشتر دیده شوم.

است برگرفته از حسی که از سفرها گرفتم. در این سفرها آدم‌های زیادی را دیدم که از کمترین بضاعت‌شان برای من هزینه کردند. از خریدن آیمپوئه تا رساندنم تا یک مسیر. در بدخشان پیرمرد خوش‌سیمایی پرسید، از چه چیزی عکس می‌گیری؟ جواب دادم از لبخند شما. گفت مهم مگرم است؟ گفتم برای همین لبخند اینجا آمدم. گفت خیانتی که رسانه‌ها به مردم کردند نظامی‌ها نکردند، آنها ناپت کردند شما آنچه هستید که ما می‌گوییم، نه آن چیزی که خودتانید. این نکته خیلی مهمی است که عکاس‌ها آن چیزی را که وجود دارد، نشان می‌دهند. ۲۰ سال زندگی من بین مسلمانان چرخیده است، مسلمان‌ها خیلی بامحبت هستند، اگر ما قضاها را نگویم دیگران می‌آیند قضا ما را انتظار که دوست دارند به تصویر می‌کشند.

این نمایشگاه چقدر با فرهنگ کشورهای دیگر هماهنگی دارد؟

احساس می‌کنم همه آنها یکپارچه هستند، در نمایشگاه نشنیدم بگویند عکس‌های لبنان را بیشتر دوست داشتم و از من سؤال نکردند این



عکاسی

ثبت مرگ

لحظه

هاست.

ما لحظه‌ها

را می‌کشیم

و یک چیز

را ثبت

می‌کنیم.

چیزی که

بود انگار

آدم‌های

داخل

نگاتیو

چشم

هایشان

تشویقم

می‌کردند

تا آنها را

به آخرین

مکانی که

در آنجا

زیست

داشتند

احضار کنم

و ببینم

آنها برای

آخرین بار

که نفس

می‌کشیدند

چه شکلی

بودند

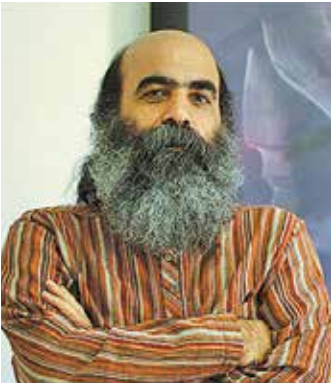
## یادداشت

### دوربین عکاسی به منابۀ فرهنگ

سعید فلاح فر، پژوهشگر هنر/ این روزها به کمک پیشرفت‌های فنی، امکان عکاسی ساده و ارزان قیمت (با به عبارتی رایگان) تقریباً برای همه افراد جامعه فراهم آمده است و بیشتر مردم حداقل به گوشی‌های تلفن همراه با دوربین‌های خودکار عکاسی، دسترسی دارند. تهیه عکس، دیگر مثل قرن گذشته احتیاج به تجهیزات گرانقیمت و مهارت‌های خاص ندارد. اگرچه این شرایط ارتباط زیادی با موضوع کیفی در عکاسی هنری پیدا نمی‌کند، اما مستقیماً در تولید راحت و سریع تصویر مؤثر بوده است. توسعه فضاهای مجازی هم برای این تولیدات، بستری از امکان نشر ایجاد کرده‌اند که سرنوشت عکاسی و اجتماعی معاصر و حتی سبک زندگی امروزی را تحت تأثیر قرار داده است.

### ما از چه چیزهایی عکس می‌گیریم؟

عکاسی از بدو ابداع تلاش کرده است که دامنه فعالیت‌های خود را توسعه دهد. در ایران عکاسی از رخداد‌های دربار قاجار و پرتو درباریان و رجز سیاسی شروع شد اما به سرعت تا خلوت زنان و حرم سلطان راه پیدا کرد، اما این پایان ولع عکاس‌ها برای پرداختن به موضوعات جدید نبود و کم‌کم دوربین عکاسی به کوچه و خیابان و مشاغل شهری و سفرها و... پا گذاشت. تا همین چند ده سال پیش، آلبوم‌های خانوادگی عکس. که توریق آن یکی از تفریحات در میهمانی‌های خانوادگی محسوب می‌شد. از چند موضوع ثابت مثل: پرتزه‌های پرسنلی و آتلیه‌ای، معدودی عکس مراسم عروسی یا کودکان، چند نمونه عکس‌های یادگاری در



سفر و دو سه مورد استثنایی فراتر نمی‌رفت، اما امروزه به نظر می‌رسد مردم از هر چیزی که می‌بینند و از هر اتفاقی که رخ می‌دهد، عکس می‌گیرند. همه ابزار و وسایل اطراف ما، در و پنجره، زندگی روزمره شهری، جشن تولد، اسباب‌بازی‌های جدید، دوره‌های دوستانه، مراسم ختم، اسناد و... همه جایی در پوشه‌های عکس دیجیتال دارند. یعنی هم گاهی به تقلید از عکاسان حرفه‌ای حتی تلاش می‌کنند سوزنه‌های بکر یا منظره‌های زیبا را ثبت کنند. بخشی از زمان مسافرت‌ها و میهمانی‌های امروزی صرف تهیه همین عکس‌ها می‌شود بدون اینکه مشکلات و هزینه‌های چاپ داشته باشند و محدودیتی در نمایش آن باشد. از این منظر، اغلب مردم، علاوه بر نتیجه کار عکاسی، از خود فرایند عکاسی هم لذت می‌برند یا آن را جایگزین اموری می‌کنند که نمایلی به انجامش ندارند. این لذت باعث می‌شود با اعتماد بیشتری، در کسوت یک عکاس حرفه‌ای و آماتور به نمایش و اشتراک عکس‌هایشان مشتاق باشند.

عکاسی با این تعریف عمومی به همه امور زندگی نفوذ کرده است. ما تقریباً در نمی‌ایستیم اجتماعی خود، ناگزیر در معرض عکاسی و دوربین عکاسی هستیم. تصور کنید که یک نفر در جمع بزرگی از دوستان، ناگهان و با صدای بلند اعلام کند: «من و همسرم دیزور در یک رستوران بزرگ، کباب و سالاد و سبزی خوردیم.» یا «به اطلاع همه دوستان می‌رسانم من چند ساعت پیش به باشگاه ورزشی رفتم.» یا «راستی اطلاع دارید من برای خودم یک لباس جدید گرانقیمت خریدم؟» فرهنگ رایج اجتماعی چند دهه پیش، چنین رفتارهایی را چندان اخلاقی و مؤدبانه نمی‌دانست، اما گویا تحمل این مکالمات و اخبار در قالب عکس، پذیرفته‌تر می‌نماید و به امری رایج در صفحات مجازی عکس محور تبدیل شده است. عکس‌های امروزی بی‌پرواز از کلمات هستند و مرزهای زندگی خصوصی و اجتماعی را به شکل محسوسی جابه‌جا کرده‌اند. بی‌هیچ ملاحظه‌ای می‌توان مدعی شد: زندگی امروزی بشدت [و شاید تا اندازه‌ای وحشتناک] در طرح سبک زندگی همه مردم از پدیده فرایکسر عکاسی تأثیر گرفته است.

در حالی که باید اعتراف کرد در این قسم کاربرد عکاسی با همه ظرفیت‌های استنادی. شاید بخشی از واقعیت باشد. اما هرگز مساوی همه حقیقت نیست. بویژه با این رویکرد که گاهی سبک و منفعل است، گاهی فعال. همچنان که مردم نسبت به عکاسی از نقاط قوت زندگی و انتشار آن بیشتر از ثبت و نشر ناگهانی‌ها و تلخی‌ها و محرومیت‌های خود تمایل نشان می‌دهند. بخش بزرگی از عکس‌ها با این جمله کلیدی و فریبنده ثبت می‌شوند: «یک، دو، لبخند،».



## به بهانه برپایی نمایشگاه عکس «نزدیک‌تر» سعید فرجی

# داشته‌هایمان را نشان دادم



از خودتان و پیشینه فعالیت عکاسی‌تان بگویند؟

عکاسی را از سال ۸۰ شروع کردم، سال ۸۵ به اولین سفر بروم مرزی برای عکاسی از جنگ ۲۳ روزه لبنان رفتم، سفر به مناطق بحرانی مثل مالی، سومالی، عراق و سوریه از دیگر فعالیت‌های عکاسی‌ام است، با اینکه نگاهم به جنگ سیاه نبود اما همیشه فکر می‌کردم نیاز است چهره دیگری از زندگی مسلمانان را نشان دهیم؛ چهره پرزنگ‌تر از جنگ که مستلزم سفر به کشورهای زیادی بود. در سال ۸۲ با پیشنهاد و توافق با سازمان اوج جرقه آغاز این پروژه زده شد، سال ۹۲ سفرها شروع شد

سعید فرجی، عکاس و مستندساز ایرانی بعد از سفر به ۱۴ کشور هند، اندونزی، افغانستان، مالزی، عمان، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، فرانسه، مغرب، تانزانیا، عربستان و ایران نمایشگاهی را با عنوان نمایشگاه عکس «نزدیک‌تر» برپا کرده است تا تصویر واقعی از زیست مسلمانان جهان را که در رسانه‌های بین‌المللی کمتر به آن پرداخته شده، نشان دهد. کتاب عکس «نزدیک‌تر» حاصل ۹ سال سفر یک عکاس ایرانی به ۱۴ کشور جهان هم‌زمان با نمایشگاه عکس‌های آن رونمایی شد. خبرنگار روزنامه ایران با «سعید فرجی» گفت‌وگوی کوتاهی انجام داده است که می‌خوانید.

در پرداخت به سوزنه مسلمان‌ها چه چیز مشترکی وجود داشت که در حافظه خودتان ماندگار شد؟

محبت و لبخند آدم‌ها در فضای نمایشگاه برایم جالب است، در عکاسی باید لبخندها را بگیریم و خلق کنیم تا کارمان دیده شود. این پروژه تلاشش این بود چیزی از زندگی مسلمان‌ها را نشان دهد که در



که نمایشگاه «نزدیک‌تر» حاصل ۹ سال عکاسی است و سال ۹۸ قبل از کرونا اصل ماجرای پروژه تمام شد و حاصل این سفر کتابی با ۲۷۰ عکس است که ۱۰۰ فریم از عکس‌های سفر به دیوارهای نمایشگاه نشسته است.

پایین عکس‌ها یکسری شعار است مثل قلب آسیا، سرزمین تمدن؛ معیارتان در انتخاب شعارها چگونه بود؟

بخشی از شعارها شاعرانه‌گونه